

تحلیل زبان‌شناختی واژه‌های «نعمت» و «رزق» در آیات قرآن کریم بر پایه الگوی ارتباطی دیوید برلو و یاکوبسن

سید سجاد غلامی^۱

سید مهدی جوکار^۲

چکیده

از جمله واژگان پرسامد در قرآن کریم دو واژه «نعمت و رزق» است که متجلی دو صفت «رزاق و منعم» از اوصاف خداوندی است. در تفکر دینی، بین رازق و مرزوق و منعم و منعم ارتباط گفتاری ویژه‌ای وجود دارد. خداوند در ایجاد این ارتباط پیش‌قدم است. این جستار درصدد است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و آماری از دو الگوی ارتباطی زبان‌شناختی دیوید برلو و رومن یاکوبسن برای تحلیل آیاتی که در آن دو واژه «نعمت و رزق» اشاره شده است، مورد بررسی و واکاوی قرار دهد. پس از بررسی و تحلیل دو الگو ذیل آیات، این نتیجه حاصل شد که خداوند در این آیات به عنوان منبع و فرستنده پیام به گیرنده آن در الگوی ارتباطی برلو از طریق کانال حواس ظاهری و حواس باطنی-درصد است تا خالقیت، رازقیت و منعم بودن خود را به گیرنده پیام تذکر دهد و پست فرستی که گیرنده بعد از برقراری ارتباط آیات باید به سمت خداوند ارسال کند، از سویی عدم فراموشی خالقیت الله است و از سوی دیگر عدم کفران نعمت و شکرگزاری نعماتی است که خداوند به او ارزانی داشته است، این ارتباط دارای اختلالات درونی و بیرونی است که هر کدام مانع پست فرست گیرنده و ارتباط بین منبع و گیرنده است. در الگوی ارتباطی یاکوبسن فرستنده از طریق کانال رمزی وحی بر اساس کارکرد عاطفی(قاعده لطف پروردگاری) درصدد است تا پیام آیات را که در بردارنده رازقیت و ناعمیت خداوند است، به گیرنده با کارکرد ترغیبی از جمله، نزول امداد غیبی، وفور نعمات و دیگر نعمت و رزق‌های ظاهری و باطنی، توحید و خالقیت خود را به گیرنده آن متذکر شود.

کلیدواژه‌ها: قرآن، زبان‌شناسی، نعمت و رزق، دیوید برلو، یاکوبسن

**تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۹ | DOI: 10.29252/PAQ.8.3.111

s.gholami@yu.ac.ir

۱- نویسنده مسئول: استادیار گروه الهیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه یاسوج..

m.jokar@yu.ac.ir

۲- استادیار گروه الهیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه یاسوج.

۱- مقدمه

ارتباط بشر با یکدیگر و بالتبع با خداوند از طریق مهم‌ترین و کارآمدترین ابزار ارتباطی بشر یعنی زبان است. در مورد منشأ و دلیل پیدایش زبان این نظر احتمالی وجود دارد که: «انسان‌ها برای بقای خود احتیاج به میزان وسیع‌تری از همکاری با یکدیگر پیدا کردند و این همکاری، مستلزم نظام ارتباطی کارآمدی بود.» (ایچیسون، ۱۳۷۶: ۳۴)؛ بنابراین «وظیفه اصلی زبان عبارت است از بیان اطلاعات واقعی یا دادن دستورهای ضروری، این فعالیت، بعضی وقت‌ها وظیفه رهنمودی زبان، یا به طور ساده‌تر «بیان اطلاعی» نامیده می‌شود.» (همان). نقش‌ها و کارکردهای زبان متنوع و متعدد است که از میان آنها «نقش ارتباطی» آن بسیار مهم و پررنگ می‌نماید. (جلالت، دانش، فرهمند، ۱۳۹۷: ۲۹) در این میان ارتباط گفتاری بین بنده و خدا عنصر اصلی شکل‌گیری دین است و هدف از ارسال آن نجات و رستگاری بشر است. (ایزوتسو، ۱۳۸۱: ۹۲) منبع (خداوند) از طریق کانال وحی با ارسال آیات (پیام-ها) به بندگان خود، نخستین گام ارتباطی را در این بین به وجود می‌آورد که بدون این فعل هرگز دین به معنای اسلامی آن به وجود نمی‌آید؛ البته قابل ذکر است که ارتباط بین منبع (خداوند) و گیرنده (بندگان) مقوم همدیگر هستند؛ چرا که یا نبود یکی در این میان و یا غیر قابل فهم بودن آیات (آل عمران: ۱۱۸) و کر و گنگ و کور و نفهم بودن انسان (بقره: ۱۶۶) فعل خداوندی را عبث و بی‌حاصل جلوه می‌نماید و چنین ارتباطی به وجود نمی‌آید؛ در نتیجه خداوند همه ابزارهای لازم را جهت برقراری چنین ارتباطی بر گیرنده تعبیه کرده است تا این ارتباط به شکل صحیحی برقرار گردد. این پژوهش با رویکردی زبان‌شناختی درصدد است تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی از دو الگوی ارتباطی زبان‌شناختی دیوید برلو^۱ (۱۹۲۹-۱۹۹۶) و رومن یاکوبسن^۲ (۱۸۹۶-۱۹۸۲) برای تحلیل آیاتی که در آن دو واژه «نعمت و رزق» اشاره شده است، به تبیین کارکردی و معنایی آن در آیات قرآن بپردازد. دو واژه به ترتیب ۱۲۲ و ۱۲۳ بار در قرآن کریم ذکر شده است و از میان این فراوانی تنها ۹ آیه هر دو واژه با مشتقات آن با هم در آیات آمده است که عبارت است از آیات (فاطر: ۳؛

1 - David k. Berlo(1929-1996)

2 - Roman Jakobson (1896-1982)

نحل/۱۱۲/۱۱۳؛ احزاب/۹؛ حج/۲۸/۳۴؛ نحل/۷۱/۱۱۴؛ ابراهیم/۳۴؛ انعام/۱۴۲؛ پژوهش حاضر از رهگذر تفسیری آیات مذکور، درصدد پاسخ به پرسش‌های اساسی زیر است:

- بر اساس الگوی ارتباطی زبان‌شناختی دیوید برلو و یاکوبسن چه مدل ارتباطی بین «رازق» و «منعم» با «مرزوق و منعم» قابل تحلیل است؟

- مدل ارتباطی بین انسان به عنوان «مرزوق و منعم» و خدا به عنوان «رازق و منعم»، از چه اجزای ارتباطی تشکیل شده است؟

روش این پژوهش در گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و در استناد به داده‌ها، اسنادی و در تجزیه و تحلیل، شیوه تحلیل محتوای کیفی (از نوع توصیفی - تحلیلی و آماری) است.

۲- پیشینه

درباره واژه‌های «نعمت» و «رزق» تا کنون تحقیق‌های فراوانی بر اساس آیات و احادیث انجام شده است. از مهمترین پژوهش‌های می‌توان به مطالعه اصغر هادوی، محمد علی خوانین‌زاده و روشن دهقانی (۱۳۹۶) اشاره کرد که در آن به بررسی معناشناختی کاربرد مفهوم «رزق» در قرآن کریم می‌پردازند. در این مقاله روابط مفهومی رزق با دیگر مفاهیم همنشین و جاننشین در قرآن کریم تبیین و معناشناختی شده است. عبدالله موحدی محب (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان موقعیت ساختاری در بلاغت قرآن با نگاهی به آیاتی در مورد رزق به بررسی گوشه‌ای از شواهد بی‌شمار قرآنی در راستای توجه به موقعیت‌ها و فضاهای سخن به دنبال جست‌وجوی پاسخ به این پرسش اساسی است که: راز تکرار مضامین قرآنی در عین گونه‌گونی زوایای ساختاری در چیست؟ در این راستا بخش‌هایی از آیات قرآن که قبض و بسط رزق در آنها مطرح شده مورد بررسی قرار گرفته است. اثر دیگر در این زمینه مقاله مقایسه کارآمدی دو روش تفسیر کلامی و بیانی در فهم رزق نوشته بی بی زینب حسینی است (۱۳۹۷) است که نویسندگان با روش مطالعه تاریخی، ابتدا ریشه‌های تاریخی ورود این موضوع به تفسیر قرآن را دقیقاً روشن کرده‌اند و سپس، با استفاده از ابزارهای دانش زبان‌شناسی؛ مانند ریشه‌شناسی و معناشناسی، به فهم جدید و قابل اعتمادی از رزق دست یافت. مقاله دیگر از سید رسول موسوی (۱۳۹۴) با عنوان گونه‌شناسی نعمت در قرآن است، در این پژوهش نویسنده به منظور

شناخت اقسام کلی نعمت در قرآن، انجام داده است که می‌تواند در فهم و تفسیر کاربردهای نعمت در قرآن اثرگذار باشد. در این خصوص آثار فراوانی نگاشته شده است؛ همچنین در خصوص الگوی ارتباطی زبان‌شناختی دیوید برلو و یاکوبسن می‌توان به آثاری چون تحلیل زبان‌شناختی واژه‌های «حمد» و «شکر» در آیات قرآن کریم بر پایه الگوی ارتباطی یاکوبسن و رده‌بندی کولماس از روح الله یعقوبی و عالیه کرد زعفرانلو (۱۳۹۷) اشاره کرد که در این پژوهش نویسندگان راز دو الگوی زبان‌شناختی برای تحلیل آیاتی که به عمل شکرگزاری اشاره شده است، استفاده کرده‌اند. ابتدا الگوی ارتباطی یاکوبسن را در خصوص رابطه بین خالق هستی و مخلوق به کار گرفته‌اند و سپس انواع شکرگزاری در آیات قرآن کریم با استفاده از الگوی رده‌بندی کولماس مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده‌اند. از دیگر مقالات در این زمینه می‌توان به مقاله آداب مکالمه انسان با خدا بر اساس مدل ارتباطی دیوید برلو و نظریه یاکوبسن (با تکیه بر آثار منثور عرفانی تا قرن هفتم) از مریم نجفی، حسین یزدانی و همکاران (۱۳۹۷) اشاره کرد برای تحلیل ارتباط کلامی انسان با خدا از نظریه‌های جدید درباره ارتباط گفتاری مانند نظریه یاکوبسن و مدل ارتباطی دیوید برلو استفاده کرده است. با وجود مقالات و آثار قابل توجه مرتبط با رازقیت و منعم بودن خداوند، بررسی این مهم در قرآن کریم بر اساس رویکرد زبان‌شناختی مورد نظر صورت نگرفته است؛ از این رو مطالعه حاضر به عنوان یکی از پژوهش‌هایی است که با استفاده از الگوی ارتباطی زبان‌شناختی دیوید برلو (۱۹۲۹-۱۹۹۶) و رومن یاکوبسن (۱۸۹۶-۱۹۸۲) به تبیین دو واژه نعمت و رزق در آیات قرآن می‌پردازد.

۳- مفهوم نعمت و رزق در لغت و اصطلاح و مشتقات آن در قرآن کریم

الف) نعمت: اصل معنایی واژه «نعمت» از ریشه «ن» و «ع» و «م» به معنای رفاه، آسایش، فراخی و خوش‌گواری زندگی، شادمانی و نیکو بودن حال است (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۴۶/۵؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۶۱ / ۲؛ طبرسی، ۱۴۰۶: ۱ / ۱۰۸؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۹۸/۱۲)؛ نعمت اسم مصدر نوعی است (ازهری، بی‌تا: ۳ / ۹). براساس آنچه واژه‌شناسان در تبیین معنای «نعمت» بیان کرده‌اند، می‌توان سه معنای مشترک در آنچه بیان داشته‌اند، (موسوی، ۱۳۹۴: ۵۳) بیان کرد، این معانی عبارت است از: «نرمی، لطافت و سازگاری با طبع»؛ «فراوانی و کثرت» و «شعور داشتن دریافت کننده‌اش»؛ پس «نعمه» بر وزن «فعله» اسم مصدر است که دلالت بر نوعی خاص از آسایش و رفاه دارد.

ب) مشتقات نعمت در قرآن: در قرآن کریم ریشه «ن.ع.م.» و مشتقات آن ۱۴۴ بار بیان شده است که این تعداد در ۵۰ سوره قرآن قابل مشاهده است. از این تعداد ۲۲ مورد آن بی‌ارتباط به موضوع بحث ما هستند و از مشتقاتی چون: نِعَمَ و نَعَمَ است. ۱۲۲ مورد آن در دو ساختار فعلی و اسمی به کار رفته‌اند: صورت فعلی آن شامل ۱۸ مورد می‌شود که به جز یک مورد در باب تفعیل (نَعَمَه) است، بقیه در باب افعال به کار رفته‌اند. ۷۱ مورد باقی مانده در دو ساختار مصدر و صفت مشبه اسمی بیان شده است. مصدر شامل «نَعَمَه» (۲بار)؛ «نِعْمَه» (۴۷بار) و «نَعْمَاء» (۱بار)، جمع این حالات ابار به صورت «نِعْمَه» و ۲ بار به صورت «أَنْعَمَ» ذکر شده است. صفت مشبه «نَعِيم» (۱۷بار) و اسم فاعل ناعم (۱بار). (فؤاد الباقی، ۱۳۶۴ق: ۷۰۷-۷۰۹)، قابل ذکر است که بیان شود، واژه «نعمت» در قرآن به شکل مضاف بیان شده است و مضاف الیه آن به اسمی از خداوند یا به ضمیری که به پروردگار برمی‌گردد، ذکر شده است؛ مانند: (انعم الله؛ نعمه الله؛ نعمه ربی؛ نعمته، نعمتی). این نکته لازم به ذکر است که بیان شود، در قرآن یک مورد وجود دارد که نعمت به غیر خدا نسبت داده شده است و آن آیه ۲۲ شعراء « وَ تِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ » است که از زبان حضرت موسی (ع) خطاب به فرعون، نعمت به غیر خدا نسبت داده شده است. این درحالی است که اکثر مفسران از جمله صحاب المیزان (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۶۵/۱۵) این آیه را جمله انشایی بیان کرده است نه خبری. در نتیجه قرآن هیچ‌گاه نعمت را به غیر خدا نسبت نداده است.

واژه	آیه/سوره	بسامد	واژه	آیه/سوره	بسامد
أَنْعَمَ	۶۹/نساء؛ ۷۲/نساء؛ ۲۳/مائده؛ ۵۸/مریم؛ ۳۷/احزاب؛ ۵۳/انفال؛	۶	نَعْمَةٌ	۱۵/فجر	۱
أَنْعَمْتُ	۷/فاتحه؛ ۴۰/بقره؛ ۴۷/بقره؛ ۱۲۲/بقره؛ ۱۹/نحل؛ ۱۷/قصص؛ ۳۷/احزاب؛ ۱۵/احقاف	۸	نَعْمَاءَ	۱۰/هود	۱
النَّعِيمِ	۶۵/مائده؛ ۲۱/توبه؛ ۹/یونس؛ ۵۶/حج؛ ۸۵/شعراء؛ ۸/لقمان؛ ۴۳/صافات؛ ۱۷/طور؛ ۱۲/واقعه؛ ۸۹/واقعه؛ ۳۴/قلم؛ ۳۸/معارج؛ ۱۳/انفطار؛ ۲۲/مطففین؛ ۲۴/مطففین؛ ۸/تکاثیر؛ ۹۵/مائده؛	۱۷	نَعْمَه	۲۷/دخان؛ ۱۱/مزمّل؛	۲

۳	۸۳/اسراء؛ ۵۱/فصلت؛ ۵۹/زخرف؛	أَنْعَمْنَا	۲۶	۱۴/آل عمران؛ ۱۱۹/نساء؛ ۱/مائده؛ (۱۳۶)، ۱۳۸، ۱۳۸، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۲/انعام)؛ ۱۷۹/اعراف؛ ۲۴/یونس؛ (۵، ۶۶، ۸۰/نحل)؛ (۲۸، ۳۰، ۳۴/حج)؛ ۲۱/مؤمنون؛ ۴۴/فرقان؛ ۱۳۳/شعراء؛ ۲۸/فاطر؛ ۶/زمر؛ ۷۹/غافر؛ ۱۱/شوری؛ ۱۲/زخرف؛ ۱۲/محمد؛	الْأَنْعَامُ
۲	۱۱۲/نحل؛ ۱۲۱/نحل	أَنْعَمُ	۴۷	(۲۱۱، ۲۳۱/بقره)؛ (۱۰۳؛ ۱۷۱؛ ۱۷۴/آل- عمران)؛ (۷، ۱۱، ۲۰/مائده)؛ (۵۳/انفال)؛ (۶، ۲۸، ۳۴/ابراهیم)؛ (۱۸، ۵۳، ۷۱، ۷۲، ۸۳ ۱۱۴/نحل)؛ ۲۲/شعراء؛ ۶۷/عنکبوت؛ ۳۱/لقمان؛ ۹/احزاب؛ ۳/فاطر؛ ۵۷/صافات؛ ۸ ۴۹/زمر؛ ۱۳/زخرف؛ ۸/حجرات؛ ۲۹/طور؛ ۳۵/قمر؛ ۲، ۴۹/قلم؛ ۱۹/لیل؛ ۱۱/ضحی؛ ۱۹/نمل؛ ۱۵/احقاف؛ ۱۰۳/آل عمران؛ ۶/مائده؛ ۶/یوسف؛ ۸۱/نحل؛ ۲/فتح؛ ۴۰، ۴۷، ۱۲۲، ۱۵۰/بقره؛ ۳، ۱۱۰/مائده؛	نِعْمَةٌ
۱	۲۰/انسان؛	نَعِيمًا	۶	۴۹/فرقان؛ ۷۱/یس؛ ۵۴/طه؛ ۳۳/نازعات؛ ۳۲/عبس؛ ۲۷/سجده؛	أَنْعَامًا
۱	۲۰/لقمان	نَعْمَةٌ	۱	۸/غاشیه	نَاعِمَةٌ
بسامد واژه با مشتقات در قرآن: ۱۲۲					

آنچه در جدول ۲ آمده است، مشخص می‌کند که واژه نعمت با ۴۷ بار تکرار در قرآن کریم بیشترین بسامد و فراوانی را داشته است و پس از آن واژه‌های «الانعام» ۲۷ بار و «النعم» ۱۷ بار تکرار در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

ج) رزق: برای این ماده دو اصل معنایی از کتب لغت قابل برداشت است، از سویی به معنای «اعطای وقت» است؛ ولی در اعطای غیر وقت هم به کار می‌رود و بر اساس این، رزق به معنای «عطای خدا» آمده است، (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۸۸/۲) از سوی دیگر به معنای انعام مخصوصی است که به مقتضای

حال طرف و مطابق با احتیاجش جهت تداوم به زندگی داده می‌شود. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۲۳/۴). در اکثر کتب لغت واژه «رزق» به معنای «ما يُتَنَفَعُ بِهِ» آمده است؛ یعنی آنچه بهره‌بردار می‌شود. (ر.ک: جوهری، ۱۳۷۶: ۱۴۸۱/۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱۵/۱۰؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۳۲۰/۳).

د) مشتقات رزق در قرآن: در قرآن کریم ریشه «ر. ز. ق» به همراه مشتقات آن ۱۲۳ بار در ۴۴ سوره به مجموع ۱۰۹ آیه که ۷۲ بار آیات مکی و ۳۷ بار آیات مدنی ذکر شده است. فعل ماضی ۳۵ بار به صورت معلوم و ۲ بار به صورت مجهول، فعل مضارع ۱۶ بار معلوم و ۳ بار مجهول، فعل امر ۵ بار به صورت امر حاضر، صیغه مبالغه (رزاق) ابار؛ مصدر مجرد، ۵۵ بار و اسم فاعل مجرد (رازق) ۶ بار به کار رفته است که همگی از فعل رَزَقُ رِزْقًا ثلاثی مجرد مشتق هستند. (هادوی و دیگران، ۱۳۹۶: ش ۱۲/۱۰۷). براساس ساختار معنای فعلی واژه در ماضی، مضارع و امر، معنای خاصی در ماده «رزق» دلالت دارد؛ فعل ماضی که خود بر ثبوت و قطعیت است، در ماضی واژه «رزق» دلالت بر منع ناپذیر بودن رزق است و در فعل مضارع که بر استمرار معنا دارد، به معنای پی در پی بودن رزق و مستمر بودن آن هست. ذکر مصدری رزق به معنای هر بهره‌ای از سمت خدا چه مادی و چه معنوی بیان می‌شود.

واژه	آیه/سوره	بسامد	واژه	آیه/سوره	بسامد
یَرزُقُ	۲۱۲/بقره؛ ۳۷/آل‌عمران؛ ۳۸/نور؛ ۱۹/شوری؛ ۳۱/یونس؛ ۶۴/نحل؛ ۲۴/سبأ؛ ۳/فاطر؛ ۲۱/ملک؛ ۵۸/حج؛ ۳/طلاق؛ ۶۰/عنکبوت	۱۲	تَرزُقُ	۲۷/آل- عمران	۱
رَزَقَ	۸۸/مائده؛ ۱۴۲/انعام؛ ۵۰/اعراف؛ ۲۶/انفال؛ ۷۲/نحل؛ ۱۱۴/نحل؛ ۴۰/روم؛ ۴۷/یس؛ ۶۴/فاطر؛ ۳۹/نساء؛ ۱۴۰/انعام؛ ۲۸/حج؛ ۸۸/هود	۱۳	رُزِقَ	۲۵، ۲۵/بقره	۱
رَزَقْنَا	۱۷۲، ۲۵۴/بقره؛ ۱۶۰/اعراف؛ ۸۱/طه؛ ۲۸/روم؛ ۱۰/منافقون؛ ۷۵/نحل؛ ۳/بقره؛ ۳/انفال؛ ۹۳/یونس؛ ۲۲/رعد؛ ۳۱/ابراهیم؛ ۹۶/نحل؛ ۷۰/اسراء؛ ۳۵/حج؛ ۵۴/قصص؛ ۱۶/سجده؛ ۲۹/فاطر؛ ۳۸/شوری؛ ۱۶/جاثیه	۲۰	نَرزُقُ	۳۲/طه؛ ۱۵۱/انعام؛ ۳۱/اسراء	۳

۴	۱۲۶/بقره؛ ۱۱۴/مائده؛ ۳۷/ابراهیم؛ ۵/نساء؛ ۸/نساء	أَرْزُق	۱۶	۵۷/قصص؛ ۱۷/عنکبوت؛ ۳۱/احزاب؛ ۱۳/غافر؛ ۱۱/ق؛ ۱۱/طلاق؛ ۹۲/ذاریات؛ ۵۴/ص؛ ۷/طلاق؛ ۱۵/ملک؛ ۲۱/ملک؛ ۱۶/فجر؛ ۶/هود؛ ۱۱۲؛ نحل؛ ۶۲/مریم؛ ۲۳۳/بقره	رِزِق
۲	۱۶۹/آل- عمران؛ ۴۰/غافر	يُرْزَقُونَ	۷	۱۱۴/مائده؛ ۲۰/حجر؛ ۵۸/حج؛ ۷۲/مؤمنون؛ ۳۹/سبأ؛ ۱۱/جمعه؛ ۵۸/ذاریات	رَازِق
۱	۳۷/یوسف	تُرْزَقَان	۱	۵۸/ذاریات	رَزَاق
بسامد واژه با مشتقات در قرآن: ۱۲۳					

بر اساس جدول ۳، واژه‌های (رَزَقْنَا، رِزِق، رَزَق) به ترتیب ۲۰، ۱۶ و ۱۳ بار تکرار، بیشترین فراوانی را دارند.

۴- چارچوب نظری

بین فردی که منعم و مرزوق هست با کسی که از او نعمت گرفته و رزق داده شده است، نوعی ارتباط وجود دارد و در ورای این رابطه، رازق و ناعم، بر اساس عملکرد^۱ فرد منعم و مرزوق، نعمت و رزق وسیع یا کم می‌شود. این پژوهش درصدد است تا این رابطه بین خداوند (به عنوان منعم و رازق) و انسان به (عنوان منعم و مرزوق) را با کمک الگوهای ارتباطی بررسی کند. یکی از مهمترین مشهورترین این الگوها، الگوی ارتباطی رومن یاکوبسن^۲ و دیوید برلو^۳ است. «رومن یاکوبسن» (۱۹۶۰)، زبان‌شناس روس تبار و از چهره‌های برجسته مکتب پراگ، به ازای شش عامل زبانی «شنونده»، «گوینده»، «بافت»، «پیام»، «تماس» و «رمز»، به ترتیب نقش‌های زبانی «ترغیبی»، «عاطفی»، «ارجاعی»، «شعری»، «همدلی» و «فرازبانی» را پیشنهاد می‌کند (صفوی، ۱۳۸۳: ۲۱) این زبان‌شناس

۱- این عمل می‌تواند از طریق آزمایش خداوند بر بنده باشد؛ یا شکر مخلوق در برابر نعمات پروردگار باشد؛ یا دیدن فهمی و بصری نعمات پروردگار باشد

2- Roman Jakobson (1896-1982)

3- David k. Berlo(1929-1996)

روس تبار، راه ارتباطی جهت تبادل پیام را در مجرای فیزیکی و پیوندی روانی میان فرستنده و گیرنده در قالب این شش نقش زبانی بیان می‌کند و الگوی خود را در یک جمله خلاصه می‌کند: «فرستنده پیامی را برای گیرنده می‌فرستد» (سیبک، ۱۹۶۰: ۳۵۳). به تفصیل بیشتر، تعریف نقش‌های زبانی یاکوبسن در جدول زیر قابل ارائه است:

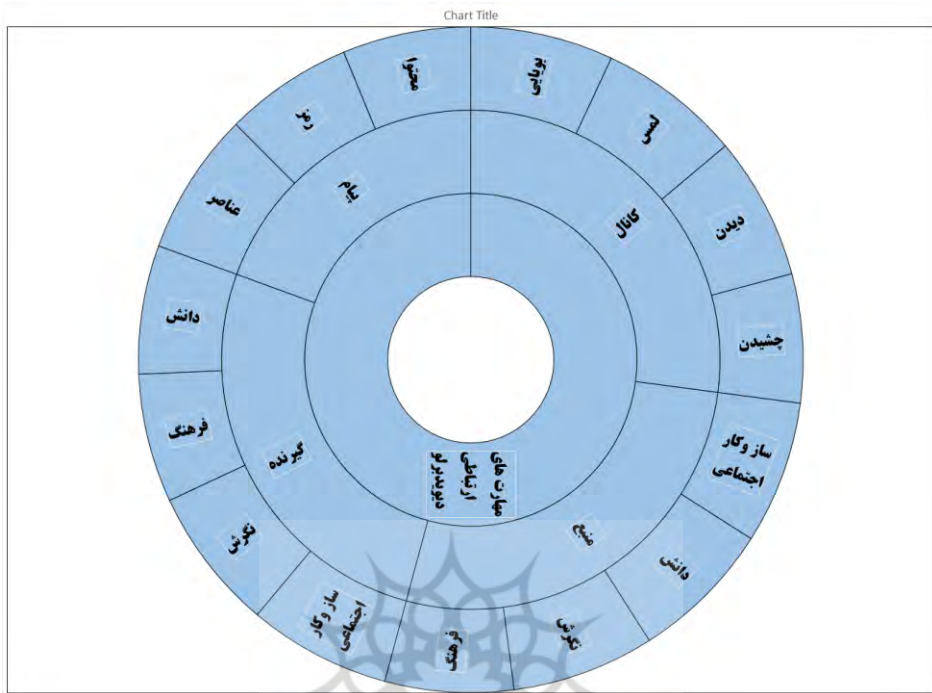
کارکردهای زبانی الگوی ارتباطی یاکوبسن (یاکوبسن ۱۹۶۰: ۳۵۶؛ گیرو، ۱۳۸۰: ۲۱-۲۴؛ صفری، ۱۳۹۳: ۳۱-۳۲)

کارکردهای ارتباطی	تعریف	نوع جملات	عنصر ارتباطی
کارکرد ادبی (هنری)	جنبهٔ زیباشناسی زبان جهت جلب توجه خواننده (آراستن زبان با آرایه-های بدیع و بیان و الگوهای آوایی)	نمونه بارز این کارکرد زیبا شناختی در آثار هنری است	پیام
کارکرد عاطفی	پیام کارکرد عاطفی و احساسی دارد جهت گیری پیام به سمت گوینده است که احساسات درونی گوینده را درباره موضوعی که دربارهٔ آن سخن می‌گوید، بیان کند	جملات ادبی؛ قصار؛ دعا؛ شعر؛ نثر	فرستنده پیام (نویسنده یا شاعر)
کارکرد ترغیبی	گوینده پیامی را به شنونده منتقل می‌کند که به کنش از سوی شنونده منجر می‌شود	جملات امری، خبری	گیرنده پیام (مخاطب-خواننده)
کارکرد فرازبانی	جهت‌گیری پیام به سوی رمزگان است؛ هدف از این نوع کارکرد روشن کردن معنای نشانه‌هایی است که ممکن است گیرنده آن‌ها را نفهمد مثلا کلمه‌ای در گیومه قرار می‌گیرد یا توضیح داده می‌شود. بنابراین در این نوع کارکرد مرجع پیام، خود رمزگان است	جملات شفاف جهت ساده‌سازی پیام‌های رمزی و پیچیده	رمز(قواعد و هنجارهای زبان)

<p>زمینه ارتباط (موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی)</p>	<p>جملات رمزی موافق بین گوینده و شنونده</p>	<p>کارکرد ارجاعی رابطه بین پیام و موضوعی که پیام به آن ارجاع می‌دهد را مشخص می‌کند؛ در واقع توافق گوینده و شنونده در زمینه ارتباط چه به شکل رمز باشد و چه به شکل موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی.</p>	<p>کارکرد ارجاعی</p>
<p>راه ارتباطی تماس (کلمات یا اصوات)</p>	<p>انواع جملات</p>	<p>در این کارکرد، جهت‌گیری به سمت مجرای ارتباطی است و هدف از پیام-ها، ارتباط برقرار کردن، ادامه ارتباط یا قطع ارتباط می‌باشد</p>	<p>کارکرد همدلی</p>

بر اساس تعریف‌های بیان شده، کارکرد و نقش فعال هر دو طرف یعنی فرستنده و گیرنده واضح است؛ فرستنده کارکردش ارسال پیام است و گیرنده آن را دریافت می‌کند. این کنش را یاکوبسن در تمام الگوهای ارتباطی کلامی (حتی دعاها) قابل اجرا می‌داند و برای آن مصداق فرض می‌کند. (یاکوبسن ۱۹۶۰: ۳۵۶) در جدول ۳ شش عنصر ارتباطی بیان شده است که نقش مشخصی را ایفا می‌کنند. همانگونه که بیان شد از جمله، جملات و کلامی که این الگو قابل رهگیری و اجرا است، کلام و حیانی و دعا است؛ چرا که یک سمت آن یعنی فرستنده پروردگار است و دیگر سوی آن یعنی گیرنده انسان و گیام که مملو از رمزگان است از جنس کلام بشری اما معجزه که یاری آوردن مثل آن را بشری نتوانست است که ادعا کند. براساس نوع جملات در الگوی ارتباطی یاکوبسن هرگونه جمله‌ای می‌تواند نقش کارکردی از سوی فرستنده و گیرنده داشته باشد؛ در این جستار تمرکز بر آیاتی از کلام الله است که یک سو منعم و رازق به عنوان فرستنده وجود دارد و از سوی دیگر گیرنده که به عنوان مرزوق و منعم هست، منحصر شده است. یک نکته که بسیار مهم است، از کارکردهای مذکور نقش ترغیبی، برای ذات اقدس اله قابل تصور نیست؛ چرا که ذاتش لایتغیر و قابل کنش بردار از سوی غیری نیست؛ در نتیجه این کارکرد از جهت ایفای نقش در خدا مطابقت ندارد؛ (ر.ک: حری، ۱۳۸۷: ۷۱-۹۳) اگر هم در جملات مورد مطالعه قرار می‌گیرد، این کارکرد و نقش ترغیبی مربوط به گیرنده پیام یعنی نخست پیامبر(ص) و بعد دیگر انسان‌هایی که مرود خطاب و وحی قرار می‌گیرند، مصداق دارد

نه خود خداوند به عنوان فرستنده و گوینده. نکته دیگر آنکه، پیامی که انسان‌ها بین خود یعنی فرستنده و گیرنده بیان می‌شود، جنسش از خود بشر است و فرستنده و گیرنده جهت رابطه برقرار کردن، با یکی از شش راه ارتباطی جهت ایفاد کلام بهره می‌برد که اکثراً هر زبانی متناسب با شاکله وجودی زبان خود، شش عنصر الگوی ارتباطی، کارکردی متفاوت دارد، به گونه‌ای که یکی از کارکردها، در یک زبان نقش پررنگ‌تری دارد به نسبت همان کارکرد در زبان دیگری. بنابراین جنس کلام و جملات خداوند، متناسب با زبان فطرت بشریت است؛ اگر چه لغات آن به زبانی خاص یعنی عربی است؛ اما از انجایی که بشر دارای فطرتی مشترک است، این کلام متناسب با زبان فطرت انسان‌ها-یعنی وحی- از سوی فرستنده یعنی خداوند به گیرنده یعنی تمامی انسان‌های روز زمین فرستاده شده است که قابلیت کارکردی برای همه گیرندگان پیام وجود دارد. ارتباط خداوند با همه انسان‌ها به عنوان مخلوقی دون از وجود ازلی و ابدی او، نیازمند رعایت آداب خاصی است، برای تحلیل این آداب می‌توان از نظریه ارتباطی دیوید برلو کمک گرفت. اجزای مدل ارتباطی دیوید برلو عبارت است از: منبع، پیام، کانال و گیرنده. منبع یا فرستنده شخص یا گروهی است که با هدف و دلایل خاصی اقدام به برقراری ارتباط می‌کند و بر اساس مهارت‌های حرکتی مانند صدا، نوشته و حرکات دست و اعضای بدن، پیام را می‌رساند. پیام رفتاری فیزیکی است که در آن ایده‌ها، اهداف و مقاصد به صورت یک مجموعه منظم از نمادهای شفاهی و غیرشفاهی. ترجمه می‌شود. (برلو، ۱۹۶۰: ۳۰) اینکه اهداف منبع چگونه به صورت نماد درمی‌آید، نیاز به جزء رمزگذار دارد. رمزگذار مجموعه‌ای از مهارت‌های حرکتی منبع است که مسئول گرفتن عقاید و تبدیل آن به رمزهایی است که برای گیرنده قابل فهم باشد. برای برقراری ارتباط به عنصر دیگر نیاز است و آن گیرنده پیام است. همانگونه که منبع، نیاز به رمزگذار برای بازگو کردن هدف-هایش به صورت پیام دارد، گیرنده نیز نیاز به یک رمزخوان دارد. کار رمزخوان، قرار دادن پیام به شکلی است که گیرنده بتواند استفاده کند. رمزخوان مجموعه مهارت‌های حرکتی و حواس گیرنده است. سازوکار فهمیدن، شنوایی و دیدن، نقش رمزخوان دارد که پیام را دریافت کرده و ترجمه می‌کند. کانال وسیله حمل پیام است. هوا، نوشته با حرکات و ابزارهای غیر کلامی که پیام را منتقل می‌کنند، کانال پیام هستند. (رک: محسنیان راد، ۱۳۷۸: ۳۹۳-۳۹۸) درباره منبع و گیرنده ارتباط، چهار عامل وجود دارد که می‌تواند صحت مطلب و پیام را افزایش دهد: الف مهارت - های ارتباطی؛ ب سطح -ها؛ ج نگرش - سازو دانش؛ د - کارهای اجتماعی و فرهنگی.



همانگونه که پیشتر بیان شد، الگوی ارتباطی یاکوبسن و دیوید برلو در تمامی کنش‌های کلامی قابل رؤیت است، این جستار به کنش ارتباطی کلامی خداوند در یک سو، به عنوان فرستنده پیام و انسان به عنوان گیرنده آن، درصدد ترغیب انسان است جهت نیل به درجه قرب الی الله؛ سوی دیگر خود گیرنده پیام است و ترغیب‌شدنش با انجام عمل صالح و حمد انسان قابل تصور است؛ به عبارتی دیگر خداوند پیام خود را با یکی از شش نقش ارتباطی به انسان منتقل می‌کند و انسان را ترغیب به ایمان و عمل صالح می‌کند و این انسان است که با نحوه مواجهه با این پیام؛ یعنی با ایمان داشتن و انجام عمل صالح و شکر زبانی، پروردگار را ترغیب کند. ترغیب خدا در قالب نصرت و امداد غیبی و سرازیری نعمت‌ها و رزق‌ها چه ظاهری و چه معنوی آشکار می‌شود و این نقش ترغیبی برای گیرنده پیام یعنی خداوند، در این صورت قابل تصور است. در ادامه به تحلیل آیات مرتبط با الگوهای دیوید برلو و یاکوبسن در دو واژه «نعمت و رزق» - ایمان و عمل صالح - اشاره و مورد تبیین و بررسی قرار می‌گیرد.

۵- بحث و تحلیل آیات مرتبط با الگوی دیوید برلو و یاکوبسن

بعد از بررسی واژه «نعمت و رزق» در مفهوم و اصطلاح و استخراج مشتقات آن در قرآن کریم، به تحلیل آیه‌ای که در چارچوب نظریه ارتباطی یاکوبسن قرار می‌گیرد، پرداخته می‌شود؛ قابل توجه است که در بررسی آیات منتخب، به ترجمه فارسی ترجمه فولادوند اشاره شده است. ترجمه فولادوند ترجمه‌ای است آزاد. از مجموعه آیه‌ای که در خصوص نعمت و رزق در قرآن ذکر شده است، می‌توان به ۸ آیه اشاره کرد؛ در ادامه بدان پرداخته می‌شود:

۵-۱- آیه ۳ سوره فاطر

«يا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنْتُمْ تُؤْفَكُونَ»: ترجمه: ای مردم، نعمت خدا را بر خود یاد کنید. آیا غیر از خدا آفریدگاری است که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ خدایی جز او نیست. پس چگونه [از حق] انحراف می‌یابید؟ این آیه از جمله آیه‌ای است که مظهر رحمت پروردگار است، واژه ناس دلالت بر عام بودن آن دارد. نعمات عام الهی خود دلیل آشکاری برای پذیرش توحید الهی است؛ چنانچه فطرت مشترک همه انسان‌ها بدان معترف هستند و عموم نعمت‌ها را از خدای سبحان دانسته‌اند، نه غیر او، پس تنها رازق خدا است و احدی در رازقیت، شریک او نیست، آن گاه آیه مذکور از طریق رازقیت استدلال کرده بر ربوبیت و سپس بر مساله معاد، و اینکه وعده خدا، به بعث و عذاب دادن کفار، و آمرزش مؤمنین صالح، حق است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷/۱۷) در الگوی ارتباطی مدل برلو بین ناعم و منعم؛ رازق و مرزوق، هم رمزهای کلامی وجود دارد و هم غیر کلامی؛ مثلاً خداوند با رمزهای کلامی که همان کلمات و جملات آیات قرآن است، پیام را بین بنده و خدا رد و بدل می‌کند و پیام را از طریق وحی با کانال گوش و چشم؛ قلب و حس به گیرنده که انسان است، منتقل می‌کند و غیر کلامی در آیات تنها با برانگیختن هواس و توجه گیرنده به دنیایی که در آن زندگی می‌کند، خود گویای پیام وسیعی از سوی منبع به گیرنده است؛ کانال ارتباطی این نوع مدل رمزهای کلامی و غیر کلامی است؛ به عبارتی دیگر منبع یا فرستنده خداوند است که با پیام رمزگونه خود، پیام یکتایی و خالقیت و رازقیت خود را با تذکر در واژه «اذکروا نعمت الله» در قالب ارتباط کلامی (شفاهی) همین آیه «يا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا

نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنْتَى تُؤْفَكُونَ»: درصدد است تا پیام خالقیت و رازقیت خود را در قالب کلمات و هیمنه‌ای که در پشت این آیه وجود دارد، برای انسان‌ها ارسال کند. انسان‌ها با تحلیل، تفسیر و ارزیابی آیه، معنی‌هایی را که در ذهن خودش متجلی شده است، پس فرست خود را به سمت منبع که خداوند است، می‌سازد؛ این ساختن پس فرست در قالب یادآوری مدام خداوند است به عنوان خالق؛ رازق و ناعم. صورت کلامی آیه از سوی خداوند به انسان‌ها است و انسان با توجه به مهارت‌های ارتباطی همچون نگرش، دانش و سیستم اجتماعی - فرهنگی که در آن تربیت شده، به پیام حق پاسخ می‌گوید.

در این آیه بین ناعم و منبع؛ رازق و مرزوق یکسری اختلالات وجود دارد که موجب می‌شود، پیام به درستی رمزگذاری و رمزخوانی نشود و موجب کاهش صحت ارتباط بین خداوند و انسان شود. این اختلالات یا درونی است یا بیرونی؛ اختلالات درونی می‌توان به عدم توجه و دقت کافی به آیه و اشتغال قلب و ذهن به امور دنیوی، به گونه‌ای که پشت پرده این نعمات را برآمده از خود طبیعت دانسته‌اند و چیزی به عنوان رازق و خالق و ناعم در ورای این نعمت‌ها و رزق‌ها متصور نیستند. این اختلال موجب می‌شود تا هیچ وقعی به کلام خدا نهد. البته تذکر خداوند «اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ» در این راستاست که انسان را از این غفلت بیدار کند و عدم توجه و متمرکز شدن انسان بر این موضوع موجب قطع ارتباط منبع با گیرنده در معنای پیام می‌شود؛ اما اختلالات بیرونی که مانع ارتباط انسان و خداوند در این آیه است، می‌توان به مواردی چون؛ خواندن آیه در جایی که سروصدا و القانات شیطانی زیادی وجود دارد، یا تهییج شخص توسط فرد کافر، جهت انکار خالقیت و رازقیت؛ همچنین عوامل مکانی و دیگر عوامل بیرونی که شخص را از یکتایی و خالقیت خداوند دور می‌کند، می‌توان برشمرد. نگرش انسان نسبت به خود و به پیام آیه و نسبت به منبع پیام یعنی خداوند، در گردن نهادن به رازقیت و خالقیت خداوند نقش مهمی دارد. هر اندازه دانش و معرفت انسان نسبت به ذات اقدس اله بیشتر باشد، ارتباطش با خالق و رازق عمیق‌تر است؛ به عبارتی دیگر؛ اگر انسان معرفت به پروردگار داشته باشد، با دیدن، چشیدن و لمس کردن طبیعت و نعمات پروردگار، خالقیت و رازقیت ذات اقدس اله بسیار روشن و محسوس است. با درک معرفت و عظمت خالق، انسان ارتباط خود را با ذکر، دعا و نماز با خدا ارتقا می‌دهد. شکل مدل برلو در آیه ۳ سوره طه به قرار زیر است:

۵-۲- آیه ۱۱۲ و ۱۱۳ سوره نحل

«وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» * وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَ هُمْ ظَالِمُونَ» به معنای و خداوند شهری را مثل آورد که در امن و آرامش بود، روزی (مردم) اش از همه جا فراوان می‌رسید آنگاه به نعمت‌های خداوند ناسپاسی کرد و خداوند به کیفر آنچه (مردم آن) انجام می‌دادند گرسنگی و هراس فراگیر را به (مردم) آن چشاندید. این دو آیه به دو نعمت ظاهری و معنوی اشاره دارد؛ نعمت ظاهری با سه صفت برای قریه که متعاقب هم است، بیان شده است، سه نعمت ظاهری عبارت است از امنیت، اطمینان و سرازیر شدن رزق بدانجا از هر طرف، (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۲، ص ۵۲۳)؛ اما نعمت معنوی، ارسال و وجود پیامبری در میان آنان است. مردم این قریه، به نعمت‌های خداوند کفر ورزیدند و شکر آنها را بجای نیاوردند. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۴: ۶۲)؛ در چارچوب گفتمان دیوید برلو، منبع در این آیه (ذات اقدس اله)، پیام را در قالب رمزی و حیانی به سه نوع نعمت ظاهری (امنیت، اطمینان و سرازیر شدن رزق) و یک نعمت معنوی (ارسال رسول) از کانال رمزگونه وحی (ارسال فرشته وحی بر پیامبر (ص)) با ساده سازی آن کلمات رمزگونه در قالب حروف و کلمات با کانال شنوایی، بینایی و حسی، قلبی به گیرنده پیام، تذکر داده است. این پیام در واژه (ضرب الله مثلاً) در قالب ارتباط شفاهی بین ناعم و منعم، رازق و مرزوق؛ برای همه مردم اعصار، چگونگی زیست مؤمنانه و وفور نعمت را برآنان مثال زده است. مردم عصر نزول و دیگر اعصار، پس فرست خود را با تحلیل، تفسیر و ارزیابی آیه، به سمت منبع که خداوند است، می‌سازند؛ این ساختن پس فرست در قالب ایمانی مستقر و مطمئن شکل می‌گیرد، درواقع گیرنده خود را در مقابل این پیام از منبع، با دو پس فرست می‌تواند پاسخ دهد، یا پس فرست خود را در قالب ایمانی مطمئن می‌سازد یا در قالبی کفر و بی‌ایمانی؛ هر کدام از پس فرست‌ها نیز دارای تبعات و نتایجی است، یکی وفور نعمت و رزق را از ناعم و رازق به همراه دارد و دیگری سختی و ناامنی نتیجه آن می‌باشد. از جمله اختلالات درونی که موجب پس فرست منفی به سمت منبع لایزال الهی است، عدم آشنایی نسبت به معنای ایمان

مطمئنانه است؛ در واقع تعریف گیرنده پیام از ایمان مطمئنانه تعریفی ناقص و بعضاً همسو با تضاد آن، یعنی کفر در ذهن او است و این فهم ناقص از معنای واژگان و عدم رمزگشایی مشترک بین ناعم و منعم موجب عدم فهم درست از آیه و در نتیجه پس فرستی منفی به سمت منبع است. اشتغال قلب به امور دینا و نادیده انگاشتن مبدئی برای خلقت و تمامی نعمت‌ها، از دیگر اختلالات ارتباطی بین گیرنده و فرستنده است و موجب عدم اتصال ارتباط بین آن دو در معنای پیام است؛ اما اختلالات بیرونی در عدم تبادل پیام در کانال گیرنده، در هر زمان و مکانی شکل خاصی به خود دارد؛ مثلاً در عصر نزول یکی از اختلالاتی که توسط کفار قریش جهت عدم استماع آیات قرآن توسط مردم عصر نزول صورت می‌گرفت، ایجاد اخلال با انجام صوت و کف جهت برهم زدن جلسه قرائت قرآن پیامبر (ص) بوده است، یا در عصر جدید، استماع تلاوت آیه در زمانی که انسان مغروق در شنیدن موسیقی لهوی یا سنتی است، در هر صورت منجر به اخلال پیام در کانال‌های ارتباطی می‌شود.

بر اساس نظر یاکوبسن، در این آیه فرستنده پیام، خداوند است که با کارکرد عاطفی، در صدد است تا به گیرنده پیام (مردم) با کارکرد ترغیبی سه نعمت ظاهری را که عبارت است از: امنیت، اطمینان و سرازیر شدن رزق، با ایمان آوردن به پروردگار و کفران نعمت نکردن، بر آنان نازل کند. شکل بارز نقش ترغیبی را در این آیه در جمله «ضرب الله مثلاً» به عنوان جمله خبری که به ندرت به عنوان کارکرد ترغیبی استفاده می‌شود، مشاهده کرد که از نقش ترغیبی برخوردار است. از این طریق خداوند انسان‌ها را ترغیب به ایمان و تقوای لازم می‌کند، در صورتی که خود را در این لباس قرار دهد و لباس کفر را بر تن نکند از سختی‌ها و بلاهای طبیعی و محیط‌زیستی که باز خود عمل و افعال انسان‌ها است، در امان می‌ماند. کارکرد همدلی در این آیه بر همراهی و پذیرش لباس تقوا و ایمانی است که فرستنده از همه انسان‌ها خواسته است تا بدان خود را بپوشانند. کارکرد ارجاعی این آیه به بافت فرهنگی و اجتماعی عصر نزول بر می‌گردد. در زمان نزول قرآن، مردم عصر نزول دارای شرایط فرهنگی (بت پرستی؛ زنده به گور کردن دختران...) و اجتماعی (قبیله‌ای و عشیره‌ای بودن؛ وجود جنگ‌های بین طوایف مثل اوس و خزرج؛ ...) و محیط‌زیستی (شبه جزیره العرب نیز در سختی و سرزمین‌های بی-

آب و علف) خاصی بوده‌اند. این آیه به مردم عصر نزول چه مردمان مکه و چه مردمان مدینه این تذکر را می‌دهد که اگر دست از کارهای جاهلی خود بردارند و خود را به لباس تقوا و ایمان بپوشانند، برکات زمین و آسمان در دو سرزمین حجاز و مدینه سرازیر می‌شود و در صورت ادامه افعال و اعمال گذشته جاهلی خود، بلا و سختی که نتیجه کردار خود آنان است، بر آن مردم نازل می‌شود؛ در توضیحی دیگر، اگر انسان توحید(ایمان و تقوای) را ترک کند و از او اطاعت نکند، موجب مصیبت‌هایی - اعم از باران‌های غیر فصلی، سیل، طوفان و صاعقه و زلزله - است که بر خلق نازل می‌شود. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۴۸۱؛ طنطاوی، بی تا، ج ۱۱: ۹۲). به استثنای زمانی که چنین امتی و انسان‌هایی خود را به لباس ایمان و تقوا زینت بدهند که وفور نعمت و برکت را به همراه خود دارد

کارکرد ارجاعی: بافت فرهنگی عصر نزول که در آن مردم عصر نزول به علت عدم جدایی کامل از فرهنگ و آداب و رسوم جاهلی، و علاقه به بت پرستی کفران نعمت کرده و چنین آیه ای جهت انذار آنان نازل شده است..

فرستنده: خالق هستی

نقش عاطفی: (قاعده لطف)؛ در صورت ایمان آوردن، وفور نعمت پدیدار می شود.

پیام: ایمان آوردن به خداوند سه نعمت(امنیت، اطمینان، وفور رزق) را به همراه دارد و کفر به او سختی و نزول بلا را در بردارد.
نقش ادبی: تعبیری انذاری و تنبیهی است که در قالب استعاره مکنیه آن را بیان داشته است: «لباس الجوع و الخوف»

گیرنده: مردم عصر نزول. (بر اساس قاعده جری و تطبیق همه مردم و تمام اعصار)
نقش ترغیبی: وفور نعمت در مقابل ایمان آوردن و بلا یا و سختی نتیجه عدم ایمان و کافر بودن و همچنین کفران نعمت او

وحی: لطف الهی به بندگان در برابر ایمان آوردن و نزول نعمت به آنان در صورت کفران.

کارکرد همدمی: پیام الهی در قالب رمزگونه بر همراهی و پذیرش لباس تقوا و ایمانی است که رستنده انسان است تا ن بپوشانند

۵-۳- آیه ۹ سوره احزاب

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا» ای مؤمنان! نعمت خداوند را بر خویش به یاد آورید هنگامی که سپاه‌یانی بر شما تاختند و ما بر (سر) آنان بادی و (نیز) سپاه‌یانی را که آنان را نمی‌دیدید فرستادیم و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست؛ در این آیه مؤمنین را یادآوری می‌کند که در ایام جنگ خندق چه نعمت‌ها به ایشان ارزانی داشت، ایشان را یاری، و شر لشکر مشرکین را از ایشان برگردانید، با اینکه لشکر یانی مجهز، و از شعوب و قبائل گوناگون بودند، و مسلمانان را از بالا و پایین احاطه کرده بودند، با این حال خدای تعالی باد را بر آنان مسلط کرد، و فرشتگانی فرستاد تا بیچاره‌شان کردند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۶: ۶۲۷)؛ بر اساس الگوی ارتباطی برلو، نعماتی که از سوی ناعم برای معنم در مدلش طرح‌ریزی می‌شود، باید از کانال حواس قابل درک باشد، تا پست فرست آن از سوی گیرنده به سمت منبع ارسال شود؛ این درحالی است که در این آیه خداوند از طریق وحی اشاره به نعمتی دارد که هیچ کدام از کانال‌های حس ظاهری آن را دریافت نکرده‌اند، «وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا» سپاه‌یانی که با حس دیداری قابل رؤیت نیست. عدم توجه به کانال‌های دریافت امور غیبی، تفاوت بنیادی را با الگوی ارتباطی برلو مشخص می‌کند؛ چرا که در این الگو بین منبع و گیرنده، پیام از طریق حواس ظاهری رد و بدل می‌شود، اما در این رابطه که منبع خداوند است و گیرنده انسان‌ها هستند، پیام اشاره به نعمت‌هایی دارد که تنها نتیجه آن قابل درک است و آن فرستادن فرشتگانی جهت یاری صحابه در جنگ خندق است. چشم آنها را نمی‌بیند؛ اما خود صحابه با دقت در عده و عده خود، متوجه نابرابری خود با دشمن شدند، لکن دستی دیگر از غیب که قابل مشاهده نبوده برای آنان، آنها را نجات و پیروز کرد؛ در واقع آنها با مشاهده شرایط خود و دشمن، فهمیدن که خداوند امداد غیبی برای آنان فرستاده است. در الگوی ارتباطی برلو چنین پیامی قابل کدگذاری نیست، چرا که از کانال حواس ظاهری بر انسان نازل نشده است و در نتیجه این نعمت که فرشتگان به یاری انسان آمده‌اند، قابل درک و کدگذاری نیست. به نظر می‌رسد، باید علاوه بر کانال‌های ارتباطی که برلو بیان کرده است جهت کدگذاری

ارتباطی بین منبع و گیرنده، کانال باطنی و شهودی را نیز بدان اضافه کرد. کانال شهودی بر پایه ایمان استوار است که حواس باطنی با مرکزیت قلب آن را درک و رمزگشایی می‌کند. این آیه منبع نعمت غیر ظاهری را با کانال حواس باطنی تذکر داده است و شخص متناسب با درجه ایمان و اتصال به کانال شهودی، پست فرست خود را یعنی دیدن نعمت از ناعم ارسال و شکر آن را به جای می‌آورد. اختلال درونی متوجه امر ایمانی شخص است؛ چنانچه شخص از جهت ایمان دچار سستی و ضعف گردد، کانال حواس باطنی دچار اختلال شده و نورانیت آن تبدیل به ظلمت و در نتیجه امدادهای غیبی و دیگر نعماتی که از پس پرده غیب به انسان نائل می‌شود را منکر و کفران نعمت می‌کند و به ازای آن پست فرست منفی و کفران نعمت را به سمت منبع ارسال می‌کند. تنها راه اینکه اختلال درونی در شخص ایجاد نشود، این است که بر اساس مناط دین حرکت کرده و مدام ایمان خود را با تقویت اراده عبودیتی تقویت و محکم کند. اختلال بیرونی در کانال مذکور، اشاره به اوهام شیاطین، تشکیک وارد کردن در اعتقادات، متزلزل ساختن جهان‌بینی و ایدئولوژیک شخص با سخنان بی‌اساس و بدون مبنا می‌باشد.

بر اساس نظر یاکوبسن، در این آیه فرستنده پیام، خداوند است که با کارکرد عاطفی (قاعده لطف پروردگاری)؛ در صدد است تا به گیرنده پیام (مردم) با کارکرد ترغیبی نعمت ظاهری و غیبی را که عبارت است از: باد و فرشتگان بر آنان نازل کند. شکل بارز نقش ترغیبی را در این آیه می‌توان در جمله «ادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ» به عنوان جمله انشایی که از نقش ترغیبی برخوردار است، مشاهده کرد. یادآوری نعمات خداوند جهت مبدأشناسی و در نتیجه شکر در مقابل آن نعمت بیان شده است. کارکرد همدلی در این آیه، شکر نعمات خداوند است. انسان باید شکر آنان را چه در زبان و چه در عمل با اسراف نکردن و درست و به جا مصرف کردن به جا آورد. کارگرد ارجاعی این آیه اشاره به ایام جنگ خندق و امدادهای غیبی برای مسلمانان مدینه دارد؛ در آن زمانی که شر لشکر مشرکین را از ایشان برگردانید و آنان توانستند بر آنان مسلط شوند. در ادامه آیاتی را که واژه رزق و نعمت به همراه مشتقات آن بیان شده است، در جدول بر اساس الگوی ارتباطی دیوید برلو و یاکوبسن ارائه می‌شود:

ردیف	سوره و آیه	نرجمه آزاد: فولادوند	الگوی ارتباطی (برلو-)	یاکوبسن
۱	آیه ۳۴ سوره حج «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مُنْشِكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ»	و برای هر امتی مناسکی قرار دادیم، تا نام خدا را بر دامهای زبان‌بسته‌ای که روزی آنها گردانیده یاد کنند. پس [بدانید که] خدای شما خدایی یگانه است، پس به [فرمان] او گردن نهید. و فروتنان را بشارت ده. (فولادوند)	برلو: منبع: خداوند در قرآن پیام: قربانی (نعمت) باید اسم الله بر آن ذکر شود و مسلمانان تسلیم اوامر او باید باشند. کانال: حواس ظاهری و حواس باطن گیرنده: مردم تمامی اعصار؛ پست‌فرست: تسلیم و خالص شدن مسلمانان در برابر نعمات و ارزاقی که به او داده است. تنها نقدی که بر این الگوی ارتباطی می‌توان بیان کرد، عدم توجه به حواس باطنی در الگوی ارتباطی برلو است که گویای تمامیت ارتباط خداوند با انسان نیست؛ بلکه تنها به کانال حواس ظاهری انسان توجه داشته است.	یاکوبسن: کارکرد ترغیبی، در واژه (يَذْكُرُوا؛ أَسْلِمُوا) جمله انشایی، ترغیب به انجام مناسک قربانی در صیغه اخلاص برای خداوند.
۲	آیه ۷۱ سوره نحل «وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَأْدِ رَزَقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَظِيمٍ»	و خدا بعضی از شما را در روزی بر بعضی دیگر برتری داده است. [ولی] کسانی که فزونی یافته‌اند روزی خود را به بندگان خود نمی‌دهند تا در آن با هم مساوی باشند. آیا باز نعمت خدا را انکار می‌کنند؟	منبع: خداوند: پیام: برتری نعمت بعضی بر بعضی دیگر در رزق و نعمت، کانال: حواس ظاهری_برانگیختن تمامی حواس ظاهری- گیرنده: مردم عصر تزول و تمامی عصرها(براساس قاعده جری و تطبیق)؛ پست فرست: عدم انکار(بیجحدون) نعمت و شکر در مقابل آن.	یاکوبسن: کارکرد ترغیبی، جمله خبری با پست فرست شکر در برابر نعمات، کارکرد همدلی آن کلماتی که دلالت بر برتری نعمت بر دیگری هست.

<p>یاکوبسن: کارکرد ترغیبی؛ جملات انشایی (فَكُلُوا، اشْكُرُوا) جمله خبری (إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ). استفاده از رزق حلال و طیب، شکر نعمات خداوند.</p>	<p>منیع: خداوند؛ پیام: ارتزاق از نعمات و به جا آوردن شکر آن؛ کانال: حواس ظاهری؛ گیرنده: مؤمنان؛ پست فرست: شکر در برابر نعمات؛</p>	<p>پس، از آنچه خدا شما را روزی کرده است، حلال [و] پاکیزه بخورید، و نعمت خدا را - اگر تنها او را می‌پرستید - شکر گزایید.</p>	<p>آیه ۱۱۴ سوره نحل «فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَ اشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنَّ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ»</p>	<p>۳</p>
<p>یاکوبسن: کارکرد ترغیبی، جملات انشایی (إِنْ تَعْدُوا، لا تُخْصَوْهَا) بیانگر عجز انسان از شمارش نعمات خداوند، ترغیب جهت شکرگذاری انسان در مقابل رازق و ناعم خود. کارکرد عاطفی این پیام؛ برانگیختن احساسات مردم نسبت به رازق و ناعم خود. در مقابل رزق و نعمت بی حد و حصر، آوردن لفظ مفرد «نعمت» بدین دلیل است که برای نشان دادن زیادی نعمت احتیاجی به جمع نیست چون هر چه با او برخورد می‌کنیم نعمت او است</p>	<p>برلو: منیع: خداوند؛ پیام: اجابت دعا و درخواست انسان از خداوند و عدم احصاء نعمات خداوند نسبت به انسان؛ کانال: حواس ظاهری به اضافه حواس باطنی که مشعر به نعمات معنوی است. گیرنده: مردم عصر نزول و تمام اعصار الی قیام یوم الدین؛ پست فرست: شکر نعمت، دانستن مبدأ نعمات؛ اعتقاد به توحید؛ عدم ظلم به نعمت‌های مادی و معنوی انسان؛ عدم کفران نعمت.</p>	<p>و از هر چه از او خواستید به شما عطا کرد، و اگر نعمت خدا را شماره کنید، نمی‌توانید آن را به شمار درآورید. قطعاً انسان ستم‌پیشه ناسپاس است</p>	<p>آیه ۳۴ سوره ابراهیم: «وَأَتَاكُمْ مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَ إِنْ تَعْدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُخْصَوْهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَطَلُومٌ كَفَّارٌ»</p>	<p>۴</p>

نتیجه

از مفاهیم پرکاربرد در قرآن کریم دو واژه «نعمت و رزق» است که در برخی از اوصاف خداوند از جمله رزاق و منعم تجلی دارند. باید دقت داشت که انسان در پست فرست خود به سمت خداوند با کلام و افعال صالح خود، پیام عمل‌گرا بودن را به منبع ارسال می‌کند و به دنبال آن، خداوند امداد و نصرت خود را به آنان می‌رساند. با در نظر گرفتن این نکته که کانال ارسال پیام به سمت خداوند متمرکز بر نفس او است؛ بدین معنی که ذات خداوند بر خلاف انسان که تنها طریق دنیایی او در ارتباط با دیگران حواس ظاهری است، خداوند مبرا از حواس ظاهری یا حواس باطنی است، بلکه وجود اشرافی و محیطی علی‌الاطلاق بر انسان است که از رگ گردن بر قول، فعل و افکار باطنی او نزدیکتر است؛ در نتیجه کانال ارسال پیام از سوی انسان به عنوان منبع به سمت خداوند، کانالی شهودی و ظاهری است؛ برخلاف دو اندیشمند زبان‌شناسی که تنها راه ارتباط را در حواس ظاهری بیان کرده‌اند، در این نوع ارتباط به جهت اینکه ماهیت دو طرف کانال ارتباطی در یک نوع نیست، قاعدتا کانالی که موجب ارتباط برقرار کردن بین انسان و خداوند است نیز متفاوت و علاوه بر کانال حواس ظاهری (قول و...) کانال حواس باطنی دارای ارتباطی وثیق بین انسان و خداوند است که به نوعی انسان در ارتباطی کشف و شهودی با خداوند است که وجود ملکوتی انسان با خداوند ارتباط برقرار می‌کند؛ با در نظر گرفتن این مطلب که در بررسی این موضوع باید توجه به حواس باطنی نیز داشت. دو الگوی ارتباطی زبان‌شناختی بر لو و یاکوبسن تنها ناظر بر کانال حواس ظاهری است و دیگر سوی کانال را که مشعر بر حواس باطنی است، شامل نمی‌شود؛ با این وجود با توجه به چارچوب الگوی ارتباطی فوق می‌توان بیان کرد: بر اساس مدل ارتباطی بر لو، در آیات مذکور، خداوند به عنوان منبع از طریق کانال وحی، این پیام را که عموم نعمت‌ها از او است و تنها رازق است و احدی در رازقیت، شریک او نیست، بر گیرنده پیام که عبارت است از مخاطبین اولیه (مردم عصر نزول)؛ بر اساس قاعده جری و تطبیق تمام مردم اعصار- ارتباط برقرار کرده است. در این بین اختلافات درونی و بیرونی وجود دارد، از جمله وسواس مردم؛ شک و شبه از سوی کافران، فراموشی و چیستی خود؛ اشتغال قلب و ذهن به امور دنیوی است. در مدل ارتباطی یاکوبسن آیات مذکور، فرستنده پیام، خداوند

است که با کارکرد عاطفی (که برگرفته از قاعده لطف پرودگار است)؛ درصدد است تا به گیرنده پیام (مردم) با کارکرد ترغیبی، آنان را از ثنویت پرهیز دهد و تنها خالق را که الله است، با یادآوری نعمات او که از رحمتش سرچشمه می‌گیرد، تذکر دهد. به طور کلی با استفاده از الگوی ارتباطی مذکور، مشاهده شد که هر چند به دفعات متعدد از واژه‌های «نعمت» و «رزق» و مشتقات آن‌ها در قرآن کریم استفاده شده است؛ اما فرستنده از گیرنده پیام یک چیز را خواسته است و آن، اینکه عموم نعمت‌ها از خدای سبحان است، نه غیر او و پست فرست همه انسان‌ها به سمت منبع باید دو چیز باشد، یک مشاهده مبدأ نعمات و رزق‌هایی که به او داده می‌شود و دیگری شکر زبانی و شکر فعلی که همان عمل صالح بنده به سوی خداوند است.



منابع

- قرآن کریم

- ۱- ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام اسلامی .
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*. دار صادر - بیروت.
- ۳- ایچیسون، جین (۱۳۷۶)، *زبان‌شناسی همگانی*. ترجمه حسین وثوقی. تهران: علوی.
- ۴- ایزوتسو، توشیهیکو. (۱۳۸۱). *خدا و انسان در قرآن*: معنی‌شناسی جهان بینی در قرآن، ترجمه: احمد آرام. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۵- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶)، *الصحاح*؛ بیروت.
- ۶- حرّی، ابوالفضل (۱۳۸۷)، «*افسون صوت و معنا در دعای آغازین سال نو به منزله اثری ادبی*»، پژوهش زبانهای خارجی، شماره ۴۳، صص ۷۷-۸۳.
- ۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۶۹ش)، *مفردات راغب*، تهران: مرتضوی.
- ۸- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، الطبعة الثالثة، بیروت: دارالکتب العربی.
- ۹- صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۶۲ش)، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- ۱۰- صفوی، کورش. (۱۳۸۱). *از زبان‌شناسی به ادبیات*. تهران: سوره مهر.
- ۱۱- طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، الطبعة الخامسة، قم: مکتبه النشر الإسلامی.
- ۱۲- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصرخسرو.
- ۱۳- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۲ق)، *جوامع الجوامع*، مصحح، گرجی ابوالقاسم، قم: ناشرحوزه علمیه.
- ۱۴- طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، *التبیان فی تفسیر قرآن*، بیروت: احیاء التراث العربی.
- ۱۵- فخر رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۱۶- فضل الله، سیدمحمدحسین، (۱۴۱۹ق)، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت: دارالملاک للطباعة و النشر.

- ۱۷- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵). *قاموس المحيط*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ۱۸- قرشی بنابی، علی‌اکبر. (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. دار الکتب الإسلامیه - ایران - تهران.
- ۱۹- گیرو، پی‌یر. (۱۳۸۰). *نشانه‌شناسی*. ترجمه محمد نبوی. تهران: آگاه.
- ۲۰- محسنیان راد، مهدی. (۱۳۸۵). *ارتباط‌شناسی: ارتباطات انسانی (میان فردی، گروهی، جمعی)*. تهران: سروش
- ۲۱- مصطفوی، حسن، (۱۳۸۵ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۲۲- موسوی، سید رسول (۱۳۹۴)، «گونه‌شناسی نعمت در قرآن». نیم سالنامه علمی - تخصصی تفسیر اهل بیت (ع)، س ۳، ش ۱، بهار و تابستان .
- ۲۳- نجفی، مریم؛ یزدانی، حسین؛ میرباقری فرد، سید علی اصغر؛ کویا، فاطمه (۱۳۹۷)، «*آداب مکالمه انسان با خدا بر اساس مدل ارتباطی دیوید برلو و نظریه یاکوبسن*». فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، س ۱۴، ش ۵۰، بهار ۹۷، صص ۲۶۷-۲۹۳.
- ۲۴- هادوی، اصغر؛ خوانین‌زاده، محمّد علی؛ دهقانی، روشن (۱۳۹۶)، «*بررسی معناشناختی کاربرد مفهوم «رزق» در قرآن کریم*». دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن س ۶، ش ۲، شماره پیاپی (۱۲)، پاییز و زمستان.
- ۲۵- یاکوبسن، رومن. (۱۳۸۰). *زبان‌شناسی و شعر شناسی*. ترجمه کورش صفوی. تهران: هرمس.
- ۲۶- یعقوبی، روح‌الله؛ کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیّه (۱۳۹۷)، «*تحلیل زبان‌شناختی واژه‌های حمد و شکر در آیات قرآن کریم بر پایه الگوی ارتباطی یاکوبسن و ردهبندی کولماس*». فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های ادبی - قرآنی، س ۶، ش ۱، بهار.

27- Berlo, David. (1960). *The process of Communication*. Michigan State University/ New York: Rinehart and Winston .

28- Jakobson, Roman. (1960). *linguistics and poetics* . In *style in language* , Edited by Thomas A. Sebeok, 350-375. New York: Willey Publisher.

**A Linguistic Analysis of the Words *Ne'mat*
and *Rizq* in the sssss sf the lll u uu rbbb lbeed on the
Communication Models of David Berlo and Roman Jakobson¹**

Seyyed Sajjad Gholami²

Seyyed Mahdi Jowkar³

Abstract

In their effort to develop and to dominate the world around them, humankind have sometimes been overcome by temporal, spatial, and epistemological obstacles. Nevertheless, compared with the extent of the development of the early humans, modern humankind consider themselves successful and somewhat at the end point of progress. The passage of time, discovery and acquisition of new knowledge, however, have always been accompanied by the emergence of new unknowns. Therefore, in this process of constant struggle, humankind find himself faced with the question of which realm of science is beyond their reach, and should not bother themselves entering it. Relying on the Qur'anic knowledge and by scrutinizing the semantic field of the Qur'anic words and paying attention to the discussions of the philosophy of science, this article focused on the above-mentioned question, and concluded that except for the special science of the essence of the Almighty God and the sciences that have been forever hidden behind the curtain of the unseen by God's permission, other potential sciences can be conquered by human beings, and they must make their efforts to fulfill the will of God the Almighty, in accordance with the "position of the caliphate of God" for humankind and the divine "command to build on the earth".

Keywords: the Qur'an, linguistics, *ne'mat* (blessing) and *rizq* (sustenance), David Berlo, Roman Jakobson

1. Date Received: August 10, 2020; Date Accepted: September 30, 2020

2. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Theology, Faculty of Humanities, Yasouj University; Email: s.gholami@yu.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Theology, Faculty of Humanities, Yasouj University; Email: m.jokar@yu.ac.ir